

## عملکرد سیاسی حکومت شیعی مذهب بنی منقذ در شیزرا (۴۷۴-۵۵۲ ق)<sup>۱</sup>

شکر الله خاکرند\*  
لیدا مودت\*\*

### چکیده

پیدایی بحران‌های سیاسی و اقتصادی نیمه دوم قرن پنجم هجری در خلافت فاطمیان و منازعات آنان با سلجوقیان در شام به تأسیس حکومت‌های محلی در این منطقه انجامید. دولت بنی منقذ شیعی مذهب در شیزرا، از این حکومت‌ها بود که میانه سال‌های ۴۷۴-۵۵۲ در شیزرا (شمال غربی حمام) تاسیس شد و در تحولات سیاسی شام و تعامل با حکومت‌های سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان، تأثیر گذارد و سرانجام در پی وقوع زلزله‌ای سخت (۵۵۲ ق) در شیزرا از میان رفت. بر پایه یافته‌های پژوهش، امیران بنی منقذ با سیاستی کارآمد و بهره‌گیری از استحکامات شیزرا، به رغم محدود بودن قلمرو خود موفق شدند استقلالشان را حفظ و پایه‌های حکومتشان را تثبیت کنند. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با استناد به منابع اصلی به دنبال بررسی تعامل سیاسی و برخوردهای این دولت با سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام است.

### کلیدواژگان

شیزرا، روابط بنی منقذ و سلجوقیان، روابط بنی منقذ و صلیبیان، روابط بنی منقذ و اسماعیلیان.

۱. تاریخ دریافت ۹۲/۲/۱۸ تاریخ پذیرش ۹۲/۶/۱۲

\* استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، گروه تاریخ، شیراز، ایران. khakrand@shirazu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شیراز ، گروه تاریخ، شیراز، ایران. lidamavadat@gmail.com



## طرح مسئله

منطقه شام به ویژه شیزر در شمال شام از دید جایگاه نظامی (سوق الجیشی) نزد سلجوقیان و صلیبیان قرن‌های پنجم و ششم هجری، بسی مهم بود. این دولت‌ها در پی تسلط بر این شها بودند و از این‌رو، پایداری مردمان شیزر به پیروی از امیران بنی‌منقذ، روی‌دادی تأمیل‌پذیر می‌نماید. حکومت بنی‌منقذ در سده‌های پنجم و ششم هجری به گونه‌ای تأثیرگذار با حکومت‌های سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام پیوند داشت. این حکومت خود دارای شهر مهمی نبود، اما جایگاه شیزر موجب می‌شد که حکومت بنی‌منقذ از موثرترین حکومت‌های محلی منطقه شام در این قرون به شمار آید.

مسئله اصلی پژوهش، تحلیلی درباره عمل کرد امیران بنی‌منقذ در برابر سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام و فرضیه‌اش بر این پایه استوار است که امیران بنی‌منقذ موفق شدند با بهره‌گیری از خلاً قدرت سیاسی برتر در منطقه شام، حکومتی تأسیس کنند و پس از این، امیران دولت بر پایه سیاست‌های واقع‌بینانه، به دفع یورش‌های صلیبیان و اسماعیلیان شام و ثبات حکومت خود پرداختند. پژوهش مستقلی به فارسی در این‌باره صورت نپذیرفت، اما پژوهش‌های تازه و اندکی به عربی در این‌باره سامان یافته است که از مقاله «قلعه شیزر در گذشته و حال» نوشته کامل شحاده و «شیزر در میراث و تاریخ» نوشته هاشم صالح مناع، از برجسته‌ترین آنها به شمار می‌روند. این مقاله‌ها بیشتر به جغرافیای تاریخی شیزر و به شکلی گذرا به خاندان بنی‌منقذ پرداخته‌اند، اما نویسنده در پی شرح و بسط عمل کرد سیاسی خاندان بنی‌منقذ است.

## شیزر در گذر تاریخ

شهرهای مهم شام در چهار سوی شیزر قرار داشتند: انطاکیه، دمشق، طرابلس و حلب به ترتیب در شمال، جنوب، جنوب غرب و شمال شرق. منطقه شیزر قلعه‌ها و باروهای استوار و از سوی دیگر به شهرهای مهم شام دسترس داشت. قلعه شیزر با توجه به اهمیت راهبردی (استراتژیک) اش پس از ورود مسلمانان به شام تا روی کارآمدان بنی‌منقذ، پیوسته دست‌خوش یورش بیزانس، حمدانیان و فاطمیان بود. این حکومت‌ها در پی چیرگی بر این نقطه حساس و سوق الجیشی بودند. پس از ورود مسلمانان به

منطقه شام، مردمان شیزیر شهر را رپایه پیمان صلحی به آنان و اگذار دند (۱۷ ق)، اما بیزانس از منطقه شام و شیزیر غافل نبود، بلکه در قرون نخستین هجری بارها به این شهر یورش برد (یاقوت حموی، ۳/۳۸۳). نقوص فوکاس امپراطور بیزانس سده چهارم هجری و سیف الدوله حمدانی برای نفوذ بیشتر به شمال شام، به کشمکش با یکدیگر پرداختند. بر اثر اهمیت شیزیر و قلعه مستحکم‌شش، این شهر بارها میان آن دو دست به دست گشت (ابن خلکان، ۳/۴۰۵؛ مولر، ۶۹).

پس از مرگ سیف الدوله حمدانی، بزرگترین مانع نقفور در شام از میان رفت و او به آهنگ آن سامان راه افتاد (۳۵۷ ق) (ابن عبری، ۲۲۳ و ۲۹۳). سعد الدوله جانشین سیف الدوله در این هنگامه می‌کوشید که در برابر نقفور بایستد، اما نقفور شیزرا تصرف و مسجد جامع آنجا را سوزاند و محافظانی رومی بر شیزر گماشت (ابن عدیم، ۱۵۷ و ۱۶۹ و ۲۳۲؛ انطاکی، ۱۳۱؛ ابن ظافر ازدی، ۱۷). العزیز خلیفه فاطمی نیز در پی نفوذ به منطقه شام بود (ابن قلانسی، ۳۸). منجوتکین به فرمان خلیفه فاطمی، شیزر را گرفت (۳۸۴ ق) (انطاکی، ۱۷۶). شیزر در این زمان در دست سعد الدوله حمدانی بود. اوی برای مقابله با فاطمیان از امپراتور بازیل کمک خواست. امپراتور بازیل نیز به شیزر حمله برد و شهر را گرفت (۳۸۹ ق) (ابن تغرسی بردي، ۲/۵۰۲؛ ابن عدیم، زبده‌الحلب، ۱۹۲) از این‌رو، شیزر کمایش تا هشت دهه، در دست رومیان بود تا این‌که سدید‌الملک علی بن منقذ توانست آنجا را بگیرد (۴۷۴ ق) و به قدرتی منطقه‌ای بدل کند (ابن خلکان، ۳/۴۰۹).

نسی و مذهب نئی منقد

بنی منقذ از قبیله کنانه بودند که از طوایف عذرہ بن زید الات کلبی از قبیله عرب  
قططانی به شمار می‌رفت (ابوشامة، ۱/۱۱؛ قلقشندي، ۱/۳۱۶). قبیله کنانه سده  
سوم هجری در شمال شام (نواحی رود عاصی) ساکن شد (یعقوبی، ۸۶). بنی منقذ  
همچون بیشتر قبایلی که در بلاد شام برای دست‌یابی به قدرت برخاسته بودند، تباری  
بدوی داشتند. گمان می‌رود آنان پس از اینکه علی بن منقذ بن نصر الکانی نخستین بار  
در ۳۴۹ در نبرد با روم شرقی اسیر شد، در صحنه رویدادهای تاریخی ظاهر شده باشد  
(اسماهه بنی منقذ، ۱۳). گفتنی است بنی منقذ خاندانی شیعه‌مذهب بودند (اسماهه بنی منقذ، ۱۰۷).



.(۱۴۶)

### حکومت بنی منقذ در مسیر پیش رفت

ظهور بنی منقذ در جایگاه نیروی سیاسی تأثیرگذار، از تأسیس سلسله بنی مرداس در حلب سرچشمه می‌گیرد. صالح بن مرداس مؤسس حکومت بنی مرداس، در حلب استقلالش را در برابر فاطمیان اعلام کرد (۴۱۵ ق). صالح بن مرداس ناحیه شیزر را به فردی از پیروانش به نام مقلد بن نصر بن منقذ اقطاع سپرد (۴۱۷ ق). (ابن اثیر، ۹/۲۱۰-۲۱۱). شیزر در این زمان در دست بیزانس و املاک مقلد بن نصر تا رود عاصی گسترده بود. او هم‌چنین کفرطاب چیرگی داشت (۴۳۷ ق) (ابن عدیم، ۲/۷۰).

مقلد بن نصر بن منقذ تا هنگام مرگش (۴۵۱ ق) در تصرف منطقه شیزر توفیق نیافت، اما پرسش سدیدالملک علی مؤسس حقیقی امارت بنی منقذ، این منطقه را گرفت و امارت خود را پایه گذارد. سدیدالملک ابوالحسن نخست از سرکردگان محمود بن صالح بن مرداس از امیران بنی مرداس در حلب به شمار می‌رفت، اما محمود در پی دست‌گیری وی بود. سدیدالملک به دربار بنی عمار در طرابلس گریخت. امیر مرداسی به سدیدالملک علی نامه نوشت و کوشید تا او را به دستگاه خویش بازگرداند (ابن حیوس، ۸۴)، اما سدیدالملک علی به جای بازگشت به خدمت محمود بن صالح بن مرداس، در پی کسب قدرت بیشتر در آن منطقه بود.

سدیدالملک علی در سرزمین شمال شام، پیش از تصرف شیزر و تأسیس حکومت، نیروی سیاسی تأثیرگذاری به شمار می‌رفت. بنابراین، در طرابلس حاضر شد (۴۶۴ ق) و از سویی، امین‌الدوله امیر بنی عمار از دنیا رفت و درباره جانشینی وی اختلاف افتاد. سدیدالملک با فراخواندن نیروهای خود از کفرطاب به پشتیبانی از جلال‌الملک پرداخت (ابن اثیر، ۱۰/۷۱؛ ابن خلدون، ۵/۴۶۱؛ ابن خیاط، ۴۹، ۸۳، ۹۱) و سرانجام جلال‌الملک به کمک ابن منقذ (ابن قلانسی، ۱۱۴) بر رقیان چیره شد و دشمنانش را از طرابلس بیرون و دور کرد. پس از این، جایگاه ابن منقذ استواری یافت و از خواص جلال‌الملک شد. جلال‌الملک وی را در حکومت طرابلس شریک کد؛ چنان‌که جایگاهی همانند خود وی یافت (ابن عدیم، ۲/۳۵).



سیدالملک در انقراض حکومت بنی مرداس در حلب و گرفتن این شهر به واسطه مسلم بن قریش، حاکم عُقیلی موصل، مؤثر بود (ابن عدیم، ۴۷۳ / ۲ و ۷۰ / ۱۴۵). سقوط سلسله بنی مرداس و از سوی دیگر نفوذ فراوان سیدالملک در منطقه شام، وی را بر آن داشت که سهم بیشتری از این منطقه داشته باشد. بنابراین، قلعه شیزر را از دست رومیان گرفت (۴۷۴ ق) و این خود سرآغاز پیدایی حکومت بنی منقذ در شیزر بود (ابن عدیم، ۱ / ۲۲۳). اسماعیل بن منقذ داستان چیرگی نیاکانش را بر شیزر چنین توصیف می‌کند:

در شیزر یک فرمانروای رومی به نام دمتری بود و پدربرزگم با طرح پیشنهاداتی قلعه شیزر را تحويل گرفت. از جمله پیشنهادات، پرداخت مال به دمتری و نگهداری املاک اسقف آنجا بود. دمتری همچنان تحت حمایت پدربرزگم در قلعه ساکن بود تا اینکه در شیزر درگذشت. بدین ترتیب قلعه شیزر را در روز یکشنبه ماه رجب ۴۷۴ به دست آورد (اسماعیل بن منقذ، ۱۵).

هنوز زمان بلندی از تصرف شیزر نگذشته بود که مؤیدالدوله علی، برادر شرفالدوله مسلم عقیلی، حاکم جدید حلب این قلعه را محاصره کرد (ابوشامة، ۱ / ۱۱۱؛ الطباخ الحلبي، ۲ / ۳۰). پیش از این، مؤیدالدوله علی عقیلی یکبار آن را محاصره کرده بود، اما در این زمینه کامیاب نبود. سیدالملک به مذاکره با وی پرداخت تا اینکه توانست او را از شیزر دور کند (۴۷۵ ق) (ابن عدیم، ۷۷ / ۲).

سیدالملک علی در دوره امارتش به آبادانی شیزر پرداخت. علی هنگام مرگش (۴۷۵ ق)، شهر بزرگی در دست نداشت، اما قدرت محلی مهمی شمرده می‌شد؛ زیرا افزوون بر شیزر، کفرطاب، افامیه، بندر لاذقیه و چند محل کوچک‌تر را در بر می‌گرفت. پس از سیدالملک علی، عزالدوله ابوالمرهف نصر پسرش بر جای او نشست (۴۷۵ ق) (ابن عدیم، ۲ / ۱۰۴). حکومت بنی منقذ در دهه‌های پس از مرگ سیدالملک علی با نیروهای سلجوقیان، صلیبیان و فدائیان اسماعیلی درگیر شدند. توانایی آنان در حفظ خودمختاری و قدرتشان، وامدار سیاست‌گذاری‌های پسران و جانشیان سیدالملک علی، نصر (۴۷۵ ق) و ابوالعساکر سلطان (۴۹۲-۵۴۹ ق) بود.

چیرگی سلجوقیان بر شام مهم‌ترین رویداد دوره حکومت نصر بن علی، به شمار



می‌رفت. او با درک این نکته که هیچ‌یک از حکومت‌های محلی بلاد شام نمی‌تواند در برابر سلجوقیان پایدار بماند، به سیاست سازش با سلجوقیان تن داد. هنگامی که سلطان ملکشاه سلجوقی حلب را تصرف کرد (۴۷۹ق)، فردی را نزد امیر نصر فرستاد و امیر بنی‌منقد به فرمان‌پذیری از او تصریح و بنابراین، ملکشاه حکومت وی را در شیزرتأیید کرد (ابن عدیم، ۲/۱۰۵). از این‌رو، امیر نصر در برابر تملک شیزرت، شهرهای کفرطاب، افامیه و لاذقیه را به سلطان ملکشاه واگذاشت. نصر در هنگامه اوضاع آشفته پس از فتوحات سلجوقیان در شام، بهترین راه را برای حفظ منافعش، اتحاد با آقسنتور، حاکم گمارده سلجوقی در حلب دانست، اما پس از مرگ ملکشاه (۴۸۵ق)، امیر نصر منقدی توانست کفرطاب، افامیه و لاذقیه را بازپس گیرد (ابن عدیم، ۲/۱۰۵؛ یاقوت حموی، ۵/۲۲۱).

### پایداری حکومت بنی‌منقد در برابر اسماعیلیان شام

امیر نصر پیش از مرگش، برادر خود مجلدالدین ابی‌سلامه مرشد<sup>۱</sup> را به جانشینی برگزید، اما پس از مرگ امیر نصر، مرشد از پذیرش حکومت خودداری کرد. از این‌رو، ابوالعساکر سلطان، پسر سدیدالملک علی بر جای وی نشست (ابوشامه، ۲/۱۱۱؛ ابن‌اثیر، ۱۰/۵۰۴). دوران حکومت ابوالعساکر سلطان، در تاریخ حکومت بنی‌منقد بسیار مهم بود؛ زیرا او از آغاز می‌باشد با دو نیروی صلیبیان و اسماعیلیان می‌جنگید.

اسماعیلیان شام در این برهه از زمان در منطقه شام گرفتاری‌هایی برای حکومت‌های مستقر در این دیار پدید آورده بودند. پس از مرگ رضوان از سلاجقه شام (۵۰۷ق) پسرش، آلب ارسلان اخرس جانشین وی شد (ابن‌اثیر، ۱۰/۱۷۵). آلب ارسلان در آغاز سیاست پدر را برای مماثلات با اسماعیلیان در پیش گرفت، اما پس از فرمان محمد بن ملکشاه برای مبارزه با اسماعیلیان، به آهنگ مبارزه با آنان در شام به راه افتاد (ابن قلانسی، ۱۸۹-۱۹۰؛ ابن عدیم، ۲/۵۳۲-۵۳۳). بزرگان اسماعیلیان بر اثر فشارهای سلجوقیان شام بر آنان (۵۰۷ق)، به اطراف حلب پراکنده شدند. اسماعیلیان بر این

۱. وی پدر اسامه بن‌منقد صاحب الاعتبار است. مرشد بر اثر علاقه به نسخه‌ی قرآن و صید و شکار، به نفع برادر کوچک‌ترش عزالدین ابی‌العساکر سلطان از فرمان‌روایی کناره گرفت و می‌گفت: «به فرمان‌روایی نرسید و از دنیا نرفت کسی همچنان که من وارد شدم» (ابوشامه، ۲/۱۱۱؛ ابن‌اثیر، ۱۰/۵۰۴).

شدند که به مناطق امن‌تر از دید طبیعت جغرافیایی بروند که مناطق قلعه شیزر از مهم‌ترین آنها بود (ابن عدیم، ۱۴۵/۱)؛ چنان‌که کمایش صد تن از اسماعیلیان حلب، افامیه، سرمین، معره‌النعمان و معره‌ المصرین به شیزر رفته بودند. ابراهیم عجمی که از این جرگه به شمار می‌رفت، به دژ شیزر (در دست ابوالعساکر سلطان) پناه برد (ابن عدیم، ۱۴۵/۱).

اسماعیلیان امیدوار بودند که شیزر را به دست آورند و آن را به پایگاه جدیدی برای عملیات خود در شام بدل کنند (ابن اثیر، ۱۶۶/۱۰). از این‌رو، بزرگان بنی‌منقذ بیرون از شیزر شاهد جشن‌های «عید قیام مسیح» میان رعایای مسیحی خود بود (۵۰۷ق) که اسماعیلیان به کاری بی‌فرجام برای گرفتن آنجا دست زدند (اسامه‌بن‌منقذ، ۱۹۰؛ ابن اثیر، ۱۹۹/۱۰). هنگامی که بنی‌منقذ به ارگ شیزر بازگشتند، به کمک مردم شهر، برج به برج با اسماعیلیان جنگیدند و سرانجام مهاجمان را بیرون کردند یا کشتند (اسامه‌بن‌منقذ، ۱۵۸-۱۶۰؛ ابن قلانسی، ۳۰۳-۳۰۴).

قدرت اسماعیلیان در منطقه شام هر روز فزونی می‌گرفت. پس از این رویداد، داعیان اسماعیلی برای بنی‌منقذ تهدیدی دائم به شمار می‌رفتند تا اینکه قلعه قدموس را از صاحب آن سیف‌الملک بن عمرون خریدند (۵۲۵ق)؛ سپس آرام‌آرام دژها و قلعه‌های مجاور را گرفتند و دژهای خوابی و کهف را تصرف کردند (۵۳۲ق) (ابوالفداء، ۱۰/۱). آنان هم‌چنین توانستند قلعه مصیاف را از دست بنی‌منقذ خارج کنند (۵۳۵ق)؛ محلی که از آن پس، از استحکامات مهمشان شمرده می‌شد. حکومت اسماعیلیان شام پس از گرفتن این دژ بنیاد یافت. آنا بدین شیوه پیش رفتند تا اینکه یازده قلعه مهم را در شام به دست آورند<sup>۱</sup> (شیخ‌الربوه دمشقی، ۲۰۸).

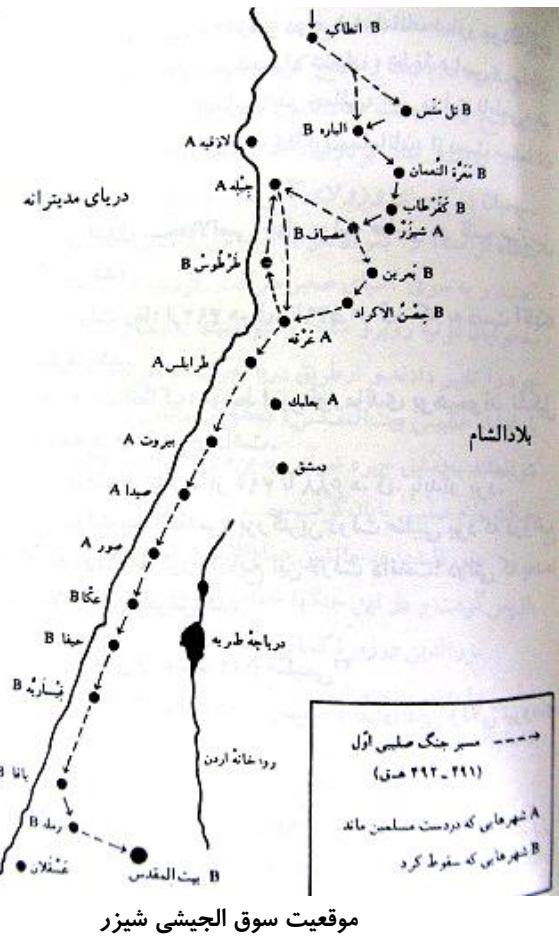
### روی کرد سازش و مقابله بنی‌منقذ در برابر صلیبیان

دو خلافت بزرگ جهان اسلام؛ یعنی عباسیان و فاطمیان پایان قرن پنجم هجری پس از نخستین حمله صلیبیان به مشرق، به سختی آسیب‌پذیر شده بودند و جهان اسلام در

۱. قلعه‌های اسماعیلیان، قلعه‌های دعوت (قلاع الدعوه) نامیده شدند. نام این قلعه‌ها چنین بود: خوابی، کهف، قدموس، علیقه، مینقه، رصافه، ابوقبیس، مصیاف، بلاطنس، مرقب و صهیون.



آستانه نخستین یورش صلیبیان، به تفرقه، جنگ و درگیری‌های مذهبی دچار شد (قاسم، ۹۷).



حمله صلیبیان به بلاد شام رسید (۴۹۱ ق) (ابن قلانی، ۱۴۹-۱۵۰). یورش‌های آنان پس از فتح انطاکیه، به دو بخش تقسیم شد:

۱. لشکرکشی به نواحی شرقی آسیای صغیر؛
۲. لشکرکشی به سوی بیت المقدس.

صلیبیان به رهبری ریموند دو سان جیل<sup>۱</sup>، بخشی را از نواحی شام فتح کردند و به

<sup>۱</sup>. Raymond de Saint- Gille.

رہبری ریموند به سوی قدس به راه افتادند (۴۹۲ ق) (ابن عدیم، ۱۴۳ / ۲). دولت بنی منقذ شیزر، از مهم‌ترین و برجسته‌ترین خاندان‌های حاکم هم دوره با نخستین یورش صلیبیان به شام بود (زکار، ۱ / ۴۱). وضع خاندان بنی منقذ نزد صلیبیان بسیار مهم می‌نمود. حکومت بنی منقذ سرزمین‌هایی را از رود عاصی تا دریای مدیترانه (مسیر راه صلیبیان) در دست داشت. بنابراین، دوستی یا بی‌طرفی این خاندان برای پیش‌رفت کار صلیبیان بسیار مهم بود. بنی منقذ نخست در اندیشه اتحاد با دیگر مسلمانان یا ایجادگی در برابر صلیبیان نبودند و بر پایه سیاست مدارا و سازش با آنان رفتار کردند. امیران بنی منقذ در آغاز در برابر حفظ مرزهای خودشان، هنگام گذشتن صلیبیان از سرزمین‌هایشان، به هم کاری با آنان پرداختند (ابن اثیر، ۱۰ / ۲۷۸؛ ابن عبری، ۱۲۴)، اما پس از این، خطر صلیبیان را دریافتند و از سلطان سلجوقی در این‌باره کمک خواستند. صلیبیان پس از تصرف طرابلس (شهر مهم ساحلی آن منطقه) و سقوط حکومت بنی عمار (۵۰۲ ق) (ابن قلانسی، ۱۶۲؛ ابن اثیر، ۱۰ / ۴۶۸)، بر یورش‌های خود به شیزر افزودند.

فرآیند رابطه بنی منقذ و صلیبیان را به دو مرحله می‌توان تقسیم کرد:

۱. هنگامی که بنی منقذ سیاست سازش و مدارا در پیش گرفت؛

۲. هنگامی که بنی منقذ بر پایه اتحاد با حاکمان مسلمان، به رویارویی پرداخت.

آخرین یورش مهم صلیبیان به شیزر به همراهی بیزانس صورت پذیرفت، اما شیزر در برابر این یورش نیز پایدار ماند. ویلیام<sup>۱</sup> کنت ساردنی به شیزر تاخت (۵۰۲ ق) و ابوالعساکر سلطان، امیر بنی منقذ و برادرش، مرشد از آنجا گریختند، اما دیری نگذشت که بار دیگر به دژ شیزر بازگشتند. بالدوین<sup>۲</sup> در همین سال به شیزر لشکر کشید، اما ابوالعساکر سلطان با فرستادن هدایایی، بالدوین را از یورش به دژ بازگرداند. حاکم صلیبی طرابلس نیز به شیزر حمله کرد (۵۰۳ ق)، اما بر اثر استحکام قلعه شیزر، در این زمینه کامیاب نبود (اسامه بن منقذ، ۵۵). تانکرد<sup>۳</sup> نایب الحکومه انطاکیه، شیزر را به

۱. William.

۲. Baldwin.

۳. Tancred.

سختی تهدید کرد (۵۰۴ ق) و ابوالعساکر سلطان این بار نیز با فرستادن هدایایی از نبرد با او بیاسود (۱۷۸-۱۸۱ Hitti).

هنگامی که ریموند از معره النعمان به سوی کفرطاب می‌رفت، امیر بنی منقذ خطر او را دریافت. امیر عزالدین ابوالعساکر سلطان بن منقذ در پیمانی با صلیبیان به آنان رخصت داد که در منطقه شیزر تردد کنند و درباره تأمین مواد غذایی شان و همراه کردن راهنمای آنان، متعهد شد. همچنین صلیبیان می‌توانستند در مرزهای شیزر به خرید و فروش بپردازنند، اما متعهد شدند که به شیزر هجوم نبرند (عاشور، ۱۰۸). امیر بنی منقذ در این مرحله سیاست مدارا و سازش را در پیش گرفت. سلطان محمد سلجوقی از ۵۰۴ قمری در بغداد به مقابله با صلیبیان تصمیم گرفت. مودود بن زنگی حاکم موصل، به فرمان سلطان محمد سلجوقی برای مقابله با صلیبیان پیش رفت (۵۰۵ ق) (ابن عدیم، ۱۵۴/۲). وی به کمک همسایگان تُرك و گُرد خود امیر میافارقین، مراغه، تبریز، دیاربکر، ماردین و اربیل، لشکری فراهم آورد و راهی سنگار شد. با انتشار این خبر، ابوالعساکر سلطان بن منقذ، حاکم شیزر پیغام فرستاد و از آنان درخواست کرد تا نخست به نجات او شتاب کنند (۱۴۲ Smail؛ ابن قلانسی، ۱۶۹).

تانکرد که در برابر شیزر اردوگاه زده بود، در این زمان از سلطان بالدوین کمک خواست. از سویی، متحдан مودود پراکنده شدند و از سوی دیگر شمار صلیبیان فزو نی گرفت. بنابراین، مودود در مقابله با آنان ناتوان ماند و عقب نشست (ابن قلانسی، ۱۶۹؛ ابن اثیر، ۱۰/۴۸۵-۴۸۶). از این‌رو، کمک‌خواهی سلطان بن منقذ به فرجام نرسید. تانکرد باری دیگر به شیزر تاخت (۵۰۷ ق)، اما با رسیدن نیروهای سلجوقی به آفامیه، از شیزر عقب نشست. پس از کشته شدن امیر مودود، برق بن‌برسقی به فرمان سلطان محمد سلجوقی جانشین وی، به مقابله با صلیبیان پرداخت (ابن عدیم، ۱۵۴/۲). عزم سلطان محمد سلجوقی برای مقابله با صلیبیان، بر اثر فشارهای صلیبیان بر ابوالعساکر سلطان بن منقذ که از حامیان او بود، راسخ‌تر شد. برق بن‌برسقی به امر سلطان محمد سپاهی فراهم کرد (۵۰۸ ق) و به جنگ صلیبیان رفت (ابن اثیر، ۱۰/۵۰۱-۵۰۲؛ ابن کثیر، ۱۲/۱۷۶-۱۷۸).

با توجه به اینکه بنی منقذ از تابعان سلطان سلجوقی بودند، برق بن‌برسقی پایگاه خود را در

شیزr قرار داد. صلیبیان در این هنگام به رهبری بالدوین و پونس کنت طرابلس به سوی برسقی هجوم بردند. برسقی با تدبیرهایی موفق شد بالدوین و پونس را متفرق کند. بنابراین، وی کفرطاب را با زد و خورد کوتاهی فتح کرد و آن را به ابوالعساکر سلطان سپرد (ابن‌اثیر، ۱۰/۵۰۲-۵۰۱)، اما پس از زمانی، صلیبیان توanstند سپاهیان برسقی را در تپه دانیث شکست دهند (ابن‌کثیر، ۱۲/۱۷۸-۱۷۹). پیروزی صلیبیان را در تپه دانیث به آخرین تلاش شاهان سلجوقی برای باز پس گرفتن شام می‌توان تعبیر کرد؛ زیرا در این برهه سلطان محمد سلجوقی بر اثر مشکلات داخلی قلمرو خود، در لشکرکشی به شام ناتوان بود. از این‌رو، راجر<sup>۱</sup>، شاهزاده انطاکیه، نیروهایش را به سوی کفرطاب فرستاد و این قلعه را از بنی‌منقد بازپس گرفت (اسامه بن‌منقد، ۱۰۶).

دولت‌های صلیبی در دهه اول قرن ششم هجری کمایش در شمال شام ثبیت شده بودند (رانسیمان، ۲/۱۵۵)، اما ایلغاری، امیر ارتقی از امیران شام در پی این بود که بر صلیبیان آن سامان فشار آورد. از این‌رو، وی به کمک امرای شام همچون سیدی‌الملک علی امیر بنی‌منقد برای مقابله با صلیبیان سپاهیانی گرد آورد (ابن‌عديم، ۲/۱۸۹-۱۸۷). سلطان بن‌سیدی‌الملک امیر بنی‌منقد متعهد شد که از جنوب راجر، بر شاهزاده انطاکیه فشار آورد (ابن‌قلانسی، ۲۰۰-۲۰۱). صلیبیان در نبرد با سپاهیان مسلمانان شکست خوردند و راجر نیز کشته شد<sup>۲</sup> (ابن‌اثیر، ۱۰/۵۰۳-۵۵۵؛ ابن‌منقد، ۴۰). حکومت بنی‌منقد به همراهی دیگر حاکمان مسلمان، در این مرحله به پیروزی رسید. ابوالعساکر سلطان در این هنگام در حکومت‌های منطقه شام بسیار نفوذ داشت. شماری از حاکمان صلیبی همچون بالدوین در جنگ بلک بن‌بهرام ارتقی، جانشین ایلغاری با صلیبیان (۵۱۶ ق) اسیر شدند (ابن‌اثیر، ۱۰/۵۹۳ و ۵۹۰). پس از مرگ بلک، بالدوین به شیزr نزد ابوالعساکر سلطان منتقل شد که این خود بر نفوذ ابوالعساکر سلطان در جریانات منطقه‌ای شام دلالت می‌کند. پس از آن وساطت ابوالعساکر سلطان بن‌منقد نزد حسام الدین تمرتاش بن‌ایلغاری به سرانجام رسید و بالدوین مشروط از زندان آزاد شد (ابن‌عديم، ۲/۲۲۲)، اما شماری از گروگان‌ها در شیزr نزد امیر بنی‌منقد ماندند.

۱. Roger.

۲. این نبرد در دشت بلاط نزدیک ارتابخ داد که پس از این، به دشت خون معروف شد.



(اسامه بن منقذ، ۱۳۳ و ۱۵۰).

برسقی می‌توانست مسلمانان را بر ضد صلیبیان شام متحد کند (۵۱۸ ق)، از این‌رو، برای مذاکره به شیزر نزد ابوالعساکر سلطان رفت. امیر شیزر که سیاستی جز حفظ حکومت و منافعش نداشت، گروگان‌های صلیبی را به وی سپرد. سپاهیان متحد برسقی در جنگ با صلیبیان شکست خوردن (ابن قلانسی، ۲۰۸-۲۰۹). بالدوین در این پیروزی غنیمت بسیاری به دست آورد که توانست با آنها سربهای (فديه) گروگان‌ها را پردازد. این گروگان‌ها پس از رهایی شان به حمله امیر حمص دچار شدند، اما بنی منقذ به یاری آنان شتافتند و نجاتشان دادند (ابن عدیم، ۲۰۶/۲-۲۱۰).

می‌توان گفت، امیر بنی منقذ در هر مقطعی از زمان، بر پایه سیاست حفظ حکومتش به کاری دست می‌زد. صلیبیان در این مرحله پیروز شده بودند و از همین روی، بنی منقذ محتاطانه رفتار می‌کرد. امیر بنی منقذ به رغم اینکه در کنار مسلمانان با صلیبیان می‌جنگید، به قدرت صلیبیان در منطقه پی برد. بنی منقذ در زمان‌ها و اوضاع گوناگون، سیاست و عمل کرد ویژه‌ای را برای حفظ حکومتش پی می‌گرفت.

امپراطور جان یوحنا کومنینوس<sup>۱</sup> بر کیلیکیه چیره شد (۵۳۱ ق) شد (۲۱-۲۲) و ضبط و مهار کیلیکیه، مسیر انطاکیه را برای بیزانس باز کرد. امپراطور در همین سال با محاصره انطاکیه خواستار تسلیم این شهر بودند. ریموند، امیر انطاکیه با امپراطور بیعت کرد و شهر را به وی واگذارد. ریموند متعهد شد که اگر امپراطور بتواند شیزر را فتح کند، او آن را «کنت‌نشین» جدید بداند و انطاکیه را به امپراطور باز پس دهد. این قرارداد بر پایه معاهده دوول<sup>۲</sup> منعقد شد<sup>۳</sup> (۱۵۶، Angold).

سپاه امپراطور به همراهی سپاهیان صلیبی به سوی جنوب رفتند (۵۳۲ ق). این حمله، آخرین یورش مهم صلیبیان به شیزر به شمار می‌رود. آنان قلعه‌های معره النعمان و کفرطاب را در نظر داشتند، اما هدف اصلی آنان، شیزر بود. شاید شیزر از چند منظر نزد بیزانس و صلیبیان مهم بوده باشد. از سویی، در مسیر حرکت مهاجمان به منطقه شام

۱. John Comnenus.

۲. Treaty of Devol.

۳. این معاهده در ۵۰۱ قمری منعقد شده بود.



بود و از سوی دیگر، مهاجمان گمان می‌کردند که این حکومت نزد زنگیان (بزرگ‌ترین دشمن مهاجمان)، مهم نبودند تا به مقابله با آنان بپردازنند (Choniates & Magoulias, ۲۲). در این زمان ابوالعساکر سلطان، امیر شیزیر توانسته بود استقلال خود را از آسیب صلیبیان و اسماعیلیان حفظ کند. پیش‌روی امپراطور و صلیبیان به منطقه رود عاصی مانع پیش‌روی زنگیان بدان‌جا شد. بنابراین، مهاجمان تا ده روز پی در پی، از سوی کوه جریجیس شیزیر را محاصره و سنگباران کرد (۵۳۲ق). اسماعیل بن منقد برادرزاده ابوالعساکر سلطان شاهد زیان دیدن شیزیر از منجنیقهای بیزانسیان بوده است (ابن منقد، ۲). امپراطور به رغم تلاش‌هایش برای محاصره شیزیر، به علی در این کار کامیاب نبود؛ زیرا از سویی ریموند رهبر صلیبیان بیم‌ناک بود با فرض سقوط شیزیر، ناگزیر باید در آنجا ساکن شود. او می‌خواست بر انطاکیه (شهری مسیحی) مسلط باشد. چیرگی بر شهری چون شیزیر که بیش‌تر ساکنانش مسلمان بودند، آن را از هجوم زنگیان آسیب‌پذیرتر می‌کرد (Angold, ۵۷). از سوی دیگر، ژوسلین<sup>۱</sup> رقیب ریموند از حکومت وی بر شیزیر خرسند نبود (ابوالفاء، ۳/۱۲-۱۳؛ ابن‌وردی، ۲/۵۹).

افرون بر مشکلات صلیبیان، استحکامات قلعه شیزیر و سیاست مدبرانه ابوالعساکر سلطان، در ناکامی مهاجمان تأثیر گذارد. به رغم تلاش پی‌گیر امپراطور، شیزیر ایستادگی کرد. امیر ابوالعساکر کسانی را نزد امپراطور فرستاد و از او درخواست کرد که در برابر دریافت خسارته هنگفت<sup>۲</sup>، از شیزیر دست بردارد (ابن قلانسی، ۲۵۸-۲۵۹؛ ابن‌کثیر، ۲۱۲/۱۲). امپراطور که یاران صلیبی خود را در محاصره مصمم نمی‌دید، شروط امیر بنی منقد را پذیرفت و از محاصره دست کشید (ابن‌اثیر، ۱۱/۵۳ و ۵۹؛ ابن‌عدیم، ۲/۱۹۷). شیزیر در برابر آخرین هجوم مهم صلیبیان به دلایل یاد شده، پایداری ماند، اما صلیبیان تا هنگام مرگ سلطان امیر بنی منقد به شیزیر یورش می‌بردند و مردم شیزیر در برابر آنان می‌ایستادند (رانسیمان، ۲/۲۴۸-۲۵۰).

۱. Joscelin.

۲. افزون بر اینها، او خزانه سرشار و لوح گوهرنشانی داشت که آن را در نبرد ملازگرد از امپراطور رومانوس به غنیمت گرفته بود.

## نتیجه

حکومت محلی بنی منقد در شام (قرن پنجم و ششم هجری) از اهمیت فراوانی برخوردار بود. شهر شیزر (شمال غربی حمام) از سویی نزد سلجوقیان و از سوی دیگر نزد صلیبیان، جایگاه ویژه‌ای داشت. امیران بنی منقد با پیش گرفتن سیاستی کارآمد، موفق شدند که حکومتی را بنیاد بگذارند و هشت دهه حاکم باشند. این آگاهی سیاسی در تعامل آنان با قدرت‌های بزرگ و حکومت‌های هم‌سایه شام، رخ می‌نمود. دوران حکومت ابوالعساکر سلطان بن علی منقدی از مهم‌ترین دوره‌های حکومت بنی منقد در شیزر به شمار می‌رود. بنی منقد در دوران این امیر، با اسماعیلیان و صلیبیان در ستیز و آویز بود. اسماعیلیان در منطقه شام به گرفتن قلعه‌های استوار برای تأسیس حکومتشان می‌پرداختند که شیزر از آنها به شمار می‌رفت. از این‌رو، امیران بنی منقد توانستند خود را در برابر یورش‌های اسماعیلیان حفظ کنند.

حکومت بنی منقد نخست می‌کوشید که بر پایه سیاست سازش با صلیبیان رفتار کند، اما بر اثر یورش‌های بعدی صلیبیان به آنان، سیاست امیر بنی منقد دگرگون شد. درخواست کمک از سلطان سلجوقی و متحد شدن امیر بنی منقد با دیگر حکومت‌های بومی شام بر ضد صلیبیان، از کارهای بعدی امیر بنی منقد در برابر صلیبیان بود. راهبرد

## فروپاشی حکومت بنی منقد

ابوالعساکر سلطان در ۵۴۸ قمری درگذشت و پسرش تاج‌الدوله، آخرین فرمان‌روای شیزر، بر جای او نشست. زلزله بزرگی در روزگار او در هنگامه جشن بنی منقد در شیزر، رخ داد (۵۵۲ق) و خاندان بنی منقد زیر آوارها جان باختند و حکومتشان پایان یافت (ابن عدیم، ۱/۳۰۶-۳۰۷؛ ابوشامه، ۱/۱۱۱). پس از این زلزله، اسماعیلیان و صلیبیان در پی چیرگی بر این قلعه بودند (ابن قلانسی، ۳۰۳-۳۰۴). نورالدین زنگی برای جلوگیری از افتادن شیزر به دست اسماعیلیان، به سرعت با صلیبیان بدان سو ره سپرد و این سرزمین را به دست آورد (اسامه بن منقد، ۱۷ به بعد). وی برای بازسازی شیزر، مجیدالدین بن الدایه را به حکومت بر آن گماشت. این خاندان در جایگاه حاکمان شیزر، زمان بلندی بر این سرزمین حکم راندند تا اینکه امیر ایوبی حلب، آنان را برکنار کرد (۶۳۰ق) و شیزر را به دست گرفت (قلقشندي، ۱/۴۵۷).

امیران بنی‌منقذ درباره صلیبیان در درازمدت تأثیرگذار بود و موجب پایداری این حکومت در برابر آنان شد. این حکومت سرانجام در پی زلزله‌ای بزرگ در شیزره، از میان رفت.



### كتاب نامه

١. ابن اثير، على بن محمد (١٣٩٩ق/ ١٩٣٢م)، *الكامل في التاريخ*، بيروت، دار صادر.
٢. ابن تغري بردي (١٣٨٣ق/ ١٩٦٣م)، *النجوم الزاهرة في ملوك مصر و القاهره*، قاهره، وزارة الثقافة والارشاد القومي.
٣. ابن حيوس (١٩٥١م)، *ديوان ابن حيوس*، تحقيق خليل مردم بك، دمشق، المجمع العلمي.
٤. ابن خلدون (١٤٠٨ق/ ١٩٨٨م)، *تاريخ ابن خلدون المسمى بدیوان المبتدأ و الخبر في تاريخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوى السلطان الاعظم*، بیروت، چاپ خلیل شحاده و سهیل زکار.
٥. ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد (١٩٤٨م)، *وفيات الانعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقيق محمد محى الدين عبدالحميد، قاهره، بینا.
٦. ابن خیاط (١٩٥٧م)، *ديوان ابن خیاط*، تحقيق خلیل مردم بك، دمشق، المجمع العلمي العربي.
٧. ابن ظافر ازدی (١٩٨٨)، *اخبار الدول المنقطعة*، تحقيق محمد الزهرانی، قاهره.
٨. ابن عبری، ابوالفرج (١٩٥٨)، *تاريخ مختصر الدول*، بيروت، مطبعه الكاتولیکی.
٩. ابن عبری، ابوالفرج (١٩٩٢م)، *تاريخ الزمان*، ترجمه اسحق ارمليه، بيروت، دار المشرق.
١٠. ابن عديم حلبي (١٩٤٥-١٩٦٨م)، *زبدة الحلب في كتاب حلب*، تحقيق سامي دهان، دمشق، معهد الفرنسي.
١١. ابن عديم، کمال الدین ابوالقاسم عمر بن احمد (١٩٧٦م)، *بغية الطلب في تاريخ حلب*، آنکارا، جمعیه التاریخیه التركیه، چاپ على سویم.



١٢. ابن قلانسی، ابویعلی حمزه (١٩٠٨ م)، *ذیل تاریخ دمشق، تحقیق آمدروز*، بیروت، المکتبة الکاتولیکیہ.
١٣. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (١٩٦٦ م)، *البدایہ و النہایہ فی التاریخ*، بیروت، بی نا.
١٤. ابن منقد، اسمامه (١٩٣٠)، *كتاب الاعتبار، چاپ فیلیپ حتی، پرینستون*.
١٥. ابن منقد، اسمامه (١٩٨٧)، *لباب الآداب*، بی جا، مکتبه السنہ.
١٦. ابن وردی، زین الدین (١٣٨٩ ق/ ١٩٧٠ م)، *تتمہ المختصر فی اخبار البشر*، تحقیق احمد رفعت البدر اوی، بیروت، انتشارات دار المعرفہ.
١٧. ابوالفداء، اسماعیل بن علی (١٣٧٥ ق/ ١٩٥٦ م)، *المختصر فی اخبار البشر (تاریخ ابوالفداء)*، بیروت، بی نا.
١٨. ابوشامة، عبدالرحمان بن اسماعیل (١٩٥٦ م)، *كتاب الروضتين فی اخبار الدولتین*، قاهره، چاپ محمد حلمی محمد احمد.
١٩. انطاکی، یحیی بن سعید (١٩٩٠ م)، *تاریخ انطاکی* (معروف به صلة تاریخ / و تیخا)، تحقیق عمر تدمری، طرابلس، بی نا.
٢٠. حموی، یاقوت (١٣٣٩ ق)، *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء الشرات العربی.
٢١. ——— (١٩٠٧ م)، *معجم الادباء*، قاهره، بی نا.
٢٢. رانسیمان، استیون (١٣٦٠)، *تاریخ جنگ های صلیبی*، ترجمه منوچهر کاشف، تهران.
٢٣. زکار، سهیل (١٩٨٤)، *الحروب الصلیبیہ*. دمشق، دار حسان.
٢٤. شحادة، کامل (١٩٨١ م)، «قلعه شیزر ماضیها و حاضرها»، *الحوالیات الأثرية العربية السورية*. ج. ٣١.
٢٥. شیخ الربوه دمشقی، شمس الدین (١٩٢٣ م)، *نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر*، تحقیق مهرن، چاپ لایزیک.
٢٦. صالح مناع، هاشم (جمادی الأولی ١٤١٧)، «شیزر فی التراث و التاریخ»،